

خیلواکی



استقلال

[www.esteqaal.net](http://www.esteqaal.net)

پنج شنبه ۲۰ جنوری ۲۰۲۲

فریده نوری

رجعت به یادداشت های پراکنده  
قسمت سیزدهم



زندگی دفتر خاطره هاست

یک نفر در دل شب

یک نفر در دل خاک

یک نفر همدم خوشبختی هاست

یک نفر همسفر سختی هاست

چشم تا باز کنیم

عمر ما می گذرد

## آنچه باقیست فقط خوبی هاست

### ضرب المثل ها

#### گرد آورنده: مرجان کمال

#### • حرف و

- وقت جنگ به کاهدان است، وقت خوشی به میدان.
- وقت رفته و آب ریخته، دوباره بر نمی گردند.
- وعده سر خرمن.
- وقتی من تی می گویم، او تریاق می گوید.
- وصله ناجور.
- وقت سر خاریدن نداشتن.

#### • حرف ه

- هر شخص زیر زیان خود پنهان است.
- هر جا دل می رود پا می رود.
- هر کس را در آینه خود دیدن
- هر جا بروی اعمال ترا تعقیب می کند.
- هر آنچه از دست رفت، دوباره بر نمی گردد.
- هر بهار خزان دارد، هر راه پایان دارد.
- هر چه پیش آمد خوش آمد.
- هذا خانه هذا مسجد.
- هر چه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی.
- هر چه از دوست رسد نیکوست.

- هر چه بادا باد.
- هر کس با بدان بجنگد، آبروی خود می برد.
- هر چیز در دیک باشد با چمچه بیرون می شود.
- هر کس لافید، نبافید.
- هر کس باید نوکر طالع خود باشد.

### منجم گفت دیدم طالع را دروغ می گفت من کی طالع دارم

- هر کی بامش بیش، برفش بیش.
- همه چیز پا در هوا.
- هر کس بیدار است خبردار است.
- هر کشمشک در عقب خود یک چوبک دارد.
- هر چه بگنند نمکش می زند، وای به روزی که بگنند نمک.
- هر چه را بر خود پسندی به دیگران نیز پسند.

### یاد دارم ز پیر دانشمند

تو هم از من به یاد دار این پند  
 هر چه بر نفس خویش نپسندی  
 نیز بر نفس دیگری نپسند

- هر جا سنگ است در پای لنگ است.
- هر گل که میزنی به سر خویش می زنی.
- هر زمانی از نقص برگردی، فایده است.
- همان آتش همان کاسه.
- هر جا که آتش است، گلم فرش است.

- هم خرما هم ثواب.
  - همو بیل تان را بدهید که در آن ماست مایه می کنیم.
  - هر روز عید نیست که تو کلچه بخوری.
  - هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.
  - همرای خرس در یک جوال افتادن.
  - همسایه نداری، عیب نداری.
  - هر کس پسر ندارد، نور بصر ندارد.
  - هر چه بکاری همان را درو می کنی.
  - هر کس جیبش خالی است آسوده تر است.
- ما خیل گدایان که زر و سیم نداریم      چون سیم نداریم ز کس بیم نداریم

- هر قدر بکوشی، دمب خریک بلست است.
- هر چه دیر شود زیر می شود.
- هر کس دندان گوساله خود را خوب می شناسد.
- هر خیانت کار دستش در حساب می لرزد.
- هر کس دولت ندارد، دوست ندارد.

#### این دغل دوستان که می بینی      مگسانند دور شیرینی

- هر کی را دردی رسد ناچار گوید وای را.
- هر بزرگ، به فضل و هنر گشت بزرگ.
- هر کی آب از دم شمشیر خورد نوشش باد. (سزاوار آن است هر چیز را به زحمت به دست می آورد)
- همه را مار می گزد ما را بقیه کور.

- هر کس را به آئینه خود نبین.
- هر چیز خام پخته می شود، آدم خام هرگز نی.
- هر کس را برابر دوغش پاغنده زدن.
- هر گل خار ندارد (گل بیخار جهان مردم نیکو سیر است)
- هم به نعل می زند هم به میخ.
- همه دیده خنده می کنند، کور نادیده.
- همراهی شاه شوله نمی خورد، همراهی سگ استخوان.
- هنوز عرق پا هایش خشک نشده است.
- هر جا که سنگ است در پای لنگ است.
- همگی اور به اور تو کجا بیتل کور.
- هفته فام بودن.
- همراهی دزد دهن جوال را گرفتن.
- هر خری خرمن بکوبد حاجت گاو ها چیست.
- هر کسی طاووس خواهد، جور هندوستان کشد.
- هوشیار از گفتارش و دیوانه از کردارش شناخته می شود.
- هم نری هم غری هم جنگ خیبری.
- هفت کوه سیاه در میان، خدا مهربان.
- هیچ کس نمی گوید که دوغ من ترش است.
- هم در نعل می زند هم در میخ.
- **حرف ی**
- یا مرد باش یا در خدمت مرد.



- یک دهن و هزار خنده.
- یک تیر و دو نشان.
- یک سیب را به بالا بینداز، تا دوباره به زمین آید یا الله و یا نصیب.
- یک سر دارد و هزار سودا. (مصروف بودن زیاد)
- یار زنده، صحبت باقی.
- یار بی کسان خداست.

رسم گلچین فلک گر چه همه یغما بود  
لیک این بار گلی چید که بی همتا بود



دلا یاران سه قسمند گر بدانی  
زبانی اند نانی اند و جانی  
به نانی نان بده از در برانش  
محبت کن به یاران زبانی  
ولیکن یار جانی را نگهدار  
به پایش جان بده تا می توانی

- یک بام و دو هوا.

- یک شب مهمان، صد سال دعا گوی.
- یک قمار باز زنده بماند، صد سوداگری.
- یک اولاد بزرگ کردن، یک شهر آباد کردن است.
- یک در بسته، صد در باز.
- یک کشمش و چهل قلندر.
- یک سیب را بالا بیانداز تا به زمین برسد چهل ملاق می خورد.
- یک لحظه نادانی، هزار پشیمانی.
- یک حمای پیدا نشد، همه گلخنی.
- یافتن دشمن آسان و یافتن دوست سخت است.
- یا نان گندمی، یا زبان مردمی.
- یک شرم از خدا، صد شرم از آینده.
- یک زاغ، چهل زاغ ساختن.
- یک انگور، صد زنبور.
- یک نی، صد آسان.

**کی ام من؟ آرزو گم کرده ای تنها و سوگردان  
نه آرامی، نه امید، نه هملردی نه همراهی**